



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

| مقرر    | حجت الاسلام محمد علی زحمت کش                                                     | جلسه | ۱۰۲ | تاریخ | ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ |
|---------|----------------------------------------------------------------------------------|------|-----|-------|------------|
| عنوان ۱ | خبر واحد                                                                         |      |     |       |            |
| عنوان ۲ | بررسی اصل حجیت خبر واحد                                                          |      |     |       |            |
| عنوان ۳ | ادله قائلین حجیت خبر واحد                                                        |      |     |       |            |
| عنوان ۴ | دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد                                  |      |     |       |            |
| عنوان ۵ | تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه |      |     |       |            |

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

### مرور درس پیشین

بحث در نسبت بین خبر ترخیصی و اصل الزامی بود در آنجا که خبر ترخیصی، با علم اجمالی ثابت شود. در این مورد، گفته شد که استصحاب الزامی به این دلیل که طرف علم اجمالی به الزامیات است، منجز است؛ در نتیجه نمی تواند به خبر ترخیصی عمل کرد. سپس به بررسی نسبت دلیل ترخیصی دیگری مثل برائت که دلیل قطعی ثابت شده با اصل الزامی استصحاب پرداختیم و گفتیم [در صورتی که دلیل استصحاب قطعی باشد]، استصحاب مقدم خواهد شد؛ زیرا دلیل آن، اخص از دلیل برائت است؛ زیرا موضوع برائت مطلق الشک است و دلیل استصحاب، شک خاصی است.

در اینجا اشکالی از سوی محقق عراقی در تمسک به این استصحاب الزامی وارد شد. ایشان می فرمایند ما علم اجمالی داریم به وجود اخبار ترخیصی ای که مطابق با واقع هستند و با موارد استصحاب الزامی مخالفت دارند. این علم ما، موجب می شود که یقین سابق در استصحاب الزام، به یک علم اجمالی انتقاض تعارض پیدا کند؛ زیرا احتمال می دهیم این خبر ترخیصی وارد، یکی از همان اخبار ترخیصی مطابق با واقع باشد. اگر دلیل استصحاب بخواید در خصوص این خبر جاری شود و بگوید این خبر مصداق علم به الزام منتقض شده نیست، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می شود که جایز نیست. نتیجه این است که نمی توان به این استصحاب عمل کرد.

### پاسخ محقق عراقی رحمته الله به اشکال

مرحوم آقا ضیاء، خود پاسخی به این اشکال می دهند که در چند بند قابل تقریر است:

بند اول: گستره علم اجمالی به اخبار ترخیصی

علم اجمالی به وجود اخبار ترخیصی مطابق با واقع، محدود به موارد تعارض با استصحابات الزامی نیست، بلکه شامل تمام مجاری اصول و استصحابات - اعم از الزامی و ترخیصی - می شود؛ یعنی اجمالاً می دانیم که در میان تمام مواردی که

اصول عملیه جاری می شوند، تعدادی اخبار ترخیصی معتبر وجود دارد که با واقعیت منطبق هستند. این اخبار می توانند در موارد جریان اصول الزامی یا در موارد جریان اصول ترخیصی دیگر قرار داشته باشند.

بند دوم: سقوط اصول ترخیصی در برابر علم اجمالی به الزامات

اصول ترخیصیه که در مقابل علم اجمالی به وجود الزامیات - که استحباب را منجز می کند - ساقط هستند. هنگامی که اصول ترخیصی ساقط باشند و علم وجود ندارد که این اخبار ترخیصیه واقعی، حتماً در موارد اصول الزامیه باشد، علم اجمالی به وجود اخبار ترخیصیه در خصوص موارد استحبابات الزامی از کار می افتد و دیگر یک علم اجمالی وجود ندارد که در خصوص موارد استحباب الزامیه، اخبار ترخیصیه مطابق با واقع وجود داشته باشد تا گفته شود که اگر بخواهیم از خبر ترخیصی مورد بحث، دست برداریم، لازم است که به عام (دلیل استحباب) تمسک کرد که این، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود.

به عبارت دیگر، هنگامی که معلوم بالاجمال وجود نداشته باشد، تمسک به استحباب، تمسک در شبهه مصداقیه نخواهد شد؛ زیرا در این صورت، این احتمال وجود ندارد که این مورد، از موارد ترخیصیات واقعی باشد؛ به عبارتی در اینجا، علم به انتقاض وجود ندارد که بتواند مانع استحباب شود؛ درحالی که در اشکال، گفته می شود که علم به انتقاض وجود دارد و احتمال دارد که یک مورد از آن انتقاض معلوم بالاجمال، همین خبر باشد. این پاسخی است که خود مرحوم محقق عراقی به این اشکال می دهند.

#### پاسخ شهید صدر رحمته الله علیه به اشکال

استاد شهید نیز به این اشکال، پاسخی می دهند که پاسخ دقیقی است. بیان این پاسخ ها به این دلیل است که این پاسخ ها، مبانی درست می کند و این مبانی برای ما مهم است و در موارد دیگر می توان به این مبنا و قاعده تمسک کرد. این پاسخ، بر فرض پذیرش وجود علم اجمالی به ترخیصیات است که ممکن است از جمله آنها، خبر ترخیصی در مورد باشد؛ لذا این احتمال وجود دارد که یقین سابق، منتقض به علم شده باشد. ایشان می فرمایند درست است که ما علم اجمالی به وجود اخبار ترخیصی ناقض داریم و ممکن است این مورد خاص استحباب مایکی از آن موارد باشد؛ اما با وجود این علم اجمالی کلی، در مورد این استحباب خاص، شک داریم که آیا منتقض شده است یا خیر. در اینجا می توانیم «اصالة عدم الانتقاض» را جاری کنیم. به عبارت دیگر: اگرچه علم اجمالی کلی به انتقاض برخی استحباب ها وجود دارد، اما علم تفصیلی یا اجمالی خاصی نسبت به انتقاض این مورد مشخص نداریم. بنابراین مانعی از اجرای اصالة عدم الانتقاض در این مورد مشکوک وجود ندارد.

ممکن است اشکال شود: مگر نگفتید در اطراف علم اجمالی الزامی نمی توان اصل ترخیصی جاری کرد چون منجر به تعارض اصول و مخالفت قطعی می شود؟ آیا اجرای اصالة عدم الانتقاض - که در اینجا نسبت به ادامه الزام استحبابی، نوعی ترخیص محسوب می شود - در تمام موارد مشکوک استحباب نیز به همین مشکل بر نمی خورد؟

پاسخ داده می شود: تعارض اصول و حرمت مخالفت قطعی زمانی پیش می آید که بخواهیم اصل را در «تمام» اطراف علم اجمالی جاری کنیم، به گونه ای که مخالفت عملی قطعی با معلوم بالاجمال لازم آید؛ اما اشکالی در اجرای اصل در برخی اطراف نیست، مادامی که به مخالفت قطعی منجر نشود. اشکالی که در جریان اصل در برخی اطراف وجود داشت، این بود

که ترجیح بلا مرجح بود که این اشکال در اینجا نمی آید؛ زیرا در هر بعضی، به شرط عدم جریان در بعض دیگر، اصل را جاری می کنیم؛ به این علت که مخالفت عملی با علم اجمالی پیش نیاید. اگر توانستیم اصل ترخیصی را در موردی جاری کنیم که منجر به مخالفت علمی با آن معلوم بالاجمال نشود، اشکالی ندارد.

به عبارت دیگر: در اینجا، اصل عدم انتقاض یقینی که در این استصحاب وجود دارد، به وسیله خبری که آمده را جاری می کنیم. در اینجا ممکن است همان اشکال تعارض اصول مجدداً مطرح شود مبنی اگر «اصالة عدم الانتقاض» را در این مورد جاری کنیم، باید در تمام موارد مشابه دیگر - که احتمال انتقاض استصحابشان وجود دارد - نیز جاری کنیم و این امر منجر به مخالفت عملی قطعی با علم اجمالی به انتقاض برخی استصحاب ها می شود. پاسخ این است که اصول عملیه را می توان در اطراف علم اجمالی به صورت فردی و ترتیبی جاری کرد، مشروط بر آنکه این جریان، منجر به مخالفت عملی قطعی با معلوم بالاجمال نشود.

مشکل عدم جریان اصل در طرف علم اجمالی، این است که مخالف با معلوم بالاجمال می شود؛ اما چنانچه با معلوم بالاجمال مخالفت نکنند، مشکلی ندارد؛ لذا در تمام اطراف نمی توان اصل را جاری کرد؛ زیرا مخالف معلوم بالاجمال می شود؛ اما اگر اصل را در برخی اطراف - به شرط اینکه در دیگر اطراف جاری نکنیم - جاری کنیم، مشکلی ندارد.

خلاصه اینکه شهید صدر می فرماید اصل ترخیصی در طرف شبهه علم اجمالی جاری می شود؛ به شرط اینکه به مخالفت عملیه منجر نشود. به عنوان مثال اگر ده ظرف آب داریم و علم اجمالی داریم که یکی از آنها نجس است، می توانیم اصل طهارت را در ظرف اول جاری کرده و از آن بنوشیم، سپس در دومی و به همین ترتیب... تا لیوان نهم؛ اما در مورد لیوان دهم دیگر نمی توان اصل طهارت جاری کرد، زیرا ارتکاب آن مستلزم مخالفت عملی قطعی با معلوم بالاجمال (نجاست یکی از ده لیوان) خواهد بود. جواز اجرای اصل تا قبل از رسیدن به مرز مخالفت قطعی وجود دارد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين